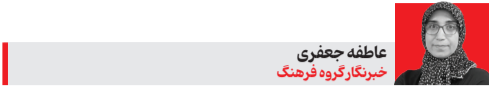


| |
|----------------------------|
| |
| شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۳ |
| شماره ۴۲۰۴ |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY.COM |
| |
| FARHIKHTEGANONLINE |



عاطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

کلماتی که به کار می برد غریب نیست اما برای اینکه به استخدام یک گزارش بازی تکواندو درآید، تازه و جدید است؛ بعد از برد تاریخی ناهید کیانی از عبارت « افسانه ایرانی» استفاده کرد و مبینا نعمت زاده را «مبنای ایران» نامید. رسول مهربانی که این روزها از شبکه ورزش رقابت های تکواندو را گزارش می کند کارش را از سال ۱۳۸۷ در زمینه گزارش ورزشی آغاز کرده اما اجرای بدیع او در مسابقات المپیک ۲۰۲۴ باعث شده که حالات تبدیل به پدیده گزارشگری تلویزیون شود. لحن و شیوه گزارش او به روایت یک قصه شبیه است، کلمات و جملاتی که به کار می برد از ورزشکاران کاراکتر می سازد و مخاطبانش را در موقعیت تماشای یک نمایش تمام عیار قرار می دهد. جملاتی که برای رقبای ایرانی به کار می برد هم جذاب است. تخریب نمی کند و تصویری واقعی از یک رقابت ورزشی ارائه می دهد. در متن گزارش بازی پداهه زیاد دارد و وقتی مخاطب انتظار ندارد جمله ای می گوید که حین هیجان بازی، لیخند به لب می آورد. مثلاً در جریان مسابقه مهران برخورداری با رقیب کوه ای اش به نام « سئو گئون وو»، وقتی بازیکن کوه، به داور ضربه زد به جای اینکه این اتفاق را گزارش نکند یا بگوید به داور ضربه ای زد، گفت: «با داور هم دعوا داری آقای سئو!» مهربانی از این قبیل ریزه کاری ها کمک می گیرد تا رقابت ورزشی تکواندو را جذاب و گیرا کند. برای گفت وگو درمورد شیوه اجرا و گزارشگری اش سراغ او رفتیم. صدایش گرفته بود و فکر می کردیم که صدایش به خاطر فریادهای حین گزارش بازی ناهید کیانی گرفته باشد. می گوید استرس این روزها باعث شده که صدایم بگیرد. متن این گفت وگو را بخوانید.

■ ■ ■

برای سوال اول بگویید گزارشگری را از چه زمانی شروع کردید؟

اجرا را از سال ۱۳۸۷ آغاز کردم. به صورت اتفاقی وارد صداوسیما شدم. ورودم به خاطر این بود که تیپ سازی صدا انجام می دادم، با رفتن آقای میثاقی از صداوسیمای کرمانشاه اجرا شروع کردم و همزمان گزارش ورزشی هم می کردم تا اینجا که الان مجری شبکه ورزش هستم و ورزش های رزمی به خصوص تکواندو را گزارش می کنم، البته گزارشگری فوتبال و کشتی هم داشتم. اما رفته رفته به سمت رشته های رزمی رفتم چون هم به این ورزش ها علاقه داشتم و هم به گزارشگری این جنس ورزش.

برای اجرای موفق یک گزارش ورزشی باید قواعد و چهارچوب های را در نظر گرفت. یعنی گزارشگر علاوه بر اینکه باید آن لحظه را گزارش کند مخاطب را هم پای تلویزیون نگه دارد و لحظات حماسی و ترازیک یک بازی را به درستی منتقل کند. برای اینکه این اتفاق را در گزارش هایتان رقم بزنید چه می کنید؟

ما مثل روایتگر هستیم. در این سال هایی که در حال گزارش هستم سعی کردم جوری موضوع را به مخاطب القاکنم که اگر هیچ شناسختی هم از آن ماجرای ورزشی ندارد اما گزارش آن بازی برایش جذاب باشد. این جذابیت به معنای این نیست که گزارشگر دروغ پردازی کند بلکه گزارشگر نیاز دارد با هنرمندی و ادبیاتی درست و باکمک آن چیزهایی که مخاطب با خود دارد اما پنهان است، این کار را انجام دهد. مخاطب حماسه و حس غیرت دارد و باید همه اینها در گزارش آورده شود و اتفاقا با آن «مخاطب صحبت کنیم. به نظم در یک گزارش گزارشگر باید مثل روایتگر جوری حماسه را بگوید که با آن موقعیتی که در حال رخ دادن است همخوانی داشته باشد. ما تا به امروز در المپیک نداشتیم که

گفت وگو با رسول مهربانی که امسال مسابقات تکواندو را جور دیگری روایت کرد

گزارشگر باید ذهن خیال پرداز داشته باشد

شسته رفته، چه نکاتی را رعایت می کنید؟

این سوال سختی است اما به نظم احترام گذاشتن به شعور مخاطب بسیار مهم است، اینکه گزارشگر دروغ نگوید و انصاف را رعایت کند. در این سال ها یک حیثیت مغفول مانده پیدا شده و ارزش هایی را که داریم به صدازنش تعبیر کردند. برای من مهم است. مثلاً روی غیرت ایرانی تاکید کنم، برای وطن یا برای پرچم داذدن تعصب دارم. در این چند سال دیدیم که برخی از اینها را به صدازنش تبدیل کرده اند تا کسی توانند از وطنش دفاع کند. من این کلمات را در گزارش برای جوان و نوجوان می گویم. ظرافتش اینجاست که به آنها باور می دم که در زندگی شان استفاده کنند.

شاید بین بازی هایی که گزارش کردید، گزارش بازی کیمیا علیزاده و ناهید کیانی متفاوت ترین بود. حسن خودتان در آن لحظه چه بود؟ آخر گزارش به رو دوفر خسته نباشید گفتید، کمی از گزارش آن بازی بگویید؟

در طول این چند سال که این اتفاق هابیری ورزش ایران افتاد صحبت ها و نظرای زیادی مطرح شد. من اعتقادم بر این است که این صحبت ها می تواند درست یا غلط باشد. اظهارنظرهایی که من برخی را قبول دارم و برخی را نه. اما وقتی شما به یک دو قطبی اشتباه در برابر مخاطبی که فضای مجازی را دنبال می کند، می رسید باید جانب انصاف را در نظر بگیرید. امروز به نظم نباید بین کیمیا علیزاده و ناهید کیانی فرق زیادی قائل بود. نظر من این است که او هموطن ماست، هر آنچه که کرده و اشتباه هم بوده؛ بحثی با این نداریم. اما الان ناهید کیانی زیر پرچم ایران بازی می کند وقتی بازی تمام شد حسم را درمورد او و این بردگفتم. اما وقتی کارت تمام می شود به این دو قطبی کاذب دامن نمی زنم. حداقل اگر این نقطه گزارشم یک نقطه عطف شده که گفت ناهید کیانی برد اما کیمیا علیزاده هم خداقوت. فکر می کنم باید تجدید نظری درمورد برخی موارد بشود. در گزارشم نام کیمیا علیزاده را بردم و حتی درمورد توانمندی هایی که او در زمینه ورزش تکواندو داشت صحبت کردم. با این حال به این تاکید کردم که امروز ناهید سرباز وطن است و باید به او افتخار کنیم.

برای گزارشگری مطالعه هم داشتید؟

بله حتما همین است. اگر اتفاقی تالان افتاده که مردم فکر می کنند، یک جریان جدیدی برسی این مسابقات به وجود آمده حتما از مسیر پژوهش و مطالعه می آید. در سال های گذشته می دیدیم که مثلاً گزارشگران عربی را مثال می زدند که ما این مدل گزارشگری نداریم. فکر می کنم غیر از همه اینها آدم باید در کارش اخلاص داشته باشد. کار را برای مردم انجام دهد. تمرکز کند و طبیعتاً در این سال ها مطالعه هم داشته باشد. البته نه مطالعه با کلاس تخصصی. به نظم با کلاس رفتن، اتفاق جدیدی رخ نمی دهد. اما اگر فردی استعداد دارد در راستای پرورش خودش به صورت موازی مطالعه هم داشته باشد. ذهن کاملاً باز فانتزی، آن اجرا و بداهه گویی قوی را داشته باشد و برایش تلاش کند. حتما به آن چیزی که می خواهد، می رسد. این را هم باید بگویم که یک گزارشگر فقط روایتگر یک اتفاق ورزشی نیست. باید همه مسائل پیرامونی کشتورش را بداند، حتی مطالعات خارج از حوزه گزارشگری. ببیند که دیگران چطور گزارش می کنند، خوبی آنها را بگیرد و همه اینها نیاز به یک ذهن مهندسی دارد.

در این چند روز گزارش رقابت های تکواندوی المپیک، بازخوردی از جانب مخاطبان داشتید؟

مردم محبت داشتند اما شاید بالاترین جمله ای که من شنیدم این بود که رسول مهربانی دقیقاً حرف دل مردم را در گزارش هایم زد، یعنی همان حالت عامیانه در گزارش ها. اینکه مردم بدانند که من با اخلاص صدایم گرفته و همین قضاوت مردم برایم بسیار مهم است.



بانویی از ایران تا این مرحله رسیده باشد و این اتفاق بزرگ را رقم بزند. برای همین، گزارشگر باید از این موقعیت بهره بردار حماسه و چیزهایی که مردم دوست دارند استفاده کند. مردم باید حس کنند که قهرمان دارند، وقتی در گزارش عبارتی به کار می برم مثل «مبنای ایران» یا برای ناهید کیانی می گویم «افسانه ایرانی» اینها فقط لغت نیست در پس آن معنا و مفهوم است. اینها در ناخودا گاه مخاطب ثبت شده اما هنوز این را ندیده است و وقتی در گزارش یک رقابت ورزشی به منصفه ظهور می گذاریم این مفاهیم را عینی می بیند. من از این جنس فضا سازی برای گزارشم استفاده می کنم.

داشتن الگو همیشه در این مسیر متداول بوده است، شما هم الگویی در مسیر

گزارشگری داشتید؟

بله، کام را که شروع کردم ابتدای کار نفرات قدیمی بودند که همه ما یادمان است. آقای خیابانی و آقای شفیع در این مسیر فعالیت داشتند اما رفته رفته با توجه به اینکه که هر گزارشگری باید امضای خودش را داشته باشد سعی می کردم خودم باشم. نقاط قوت و ضعف را بگیرم و سعی کنم خودم را قوی کنم تا مخاطب یک آدم جدید ببینند نه یک آدم کپی از دیگری.

و برای اینکه به امضای خودتان در گزارشگری برسید، چه کردید؟

امضای من این است که انگار کنار مردم ایستاده ام و گزارش می کنم. همان طور که در خانه همه ما برای یک مسابقه ورزشی حرص می خوریم، ناراحت و خوشحال می شویم، کنار هم هستیم. در این فضا من دقیقاً کنار مردم قرار می گیرم و باورم این است که کنار مردم هستم، شاعر می گوید: «بعد منزل نبود در سفر روحانی». حالا اینکه من در استودیو هستم و گزارش می کنم برایم مهم نیست، روح مهم است. انسان با روحش زندگی می کند، جسم در تبعیت از روح است که به رشد می رسد و الا جسم بدون روح معنا ندارد. من خودم را این طور حس می کنم. احساس می کنم کنار مردم هستم، هیجان و شور دارم. این را هم بگویم که خط قرمز می برای خودم نگذاشته. البته خط قرمز نه آن معنای منفی که به ذهن می رسد. به این معنا که مثلاً اگر در خانه باشم به اعضای خانواده ام می گویم مثلاً «ناهید چه کاری انجام می دهد؟»، یا «وای الان ضربه می خوره» همین حالت را برای گزارش هایم می دارم. اگر این مدل گزارش در خانه ها مورد استقبال واقع شده، فکر می کنم برای این است که خودم را جدای از بقیه نمی بینم، من رسول مهربانی هستم که کنار مردم نشستم و گزارش می کنم.

برای یک گزارش جذاب باید حواس گزارشگر به رعایت ظرافت ها و ریزه کاری هایی باشد تا از متن اصلی بیرون نزد و نوی ذوق مخاطب نخورد. شما برای اجرای

نگاهی به نمونه های موفق گزارشگری ورزشی در ایران

توی گوش سالمم زمزمه کن



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

موسم المپیک است و ورزشکاران ایرانی برای قرار گرفتن بر قله افتخارات با رقبای خود پنجه به پنجه می شوند. صداوسیما هم

به عنوان رسانه رسمی کشور مسابقات را برای مردم پوشش می دهد ولی این گزارشگران هستند که در این میان نقش بسزایی برای جلب نظر مردم به تماشای بازی ها برعهده می گیرند. یک گزارشگر ورزشی باید بداند که در حین پخش بازی مهمی همچون فینال مسابقات کشتی یا تکواندو چگونه کارش را انجام دهد که هم بیننده و شنونده به وجد بیاید و هم با اشتیاق ادامه برنامه را از پای

تلویزیون پیگیری کند اما گاه پیش می آید که گزارشگر محترم هیچ واکنشی نسبت به اکت ورزشکار ندارد و همه چیز را فدای آرامش ذاتی خودش می کند و از مرور اتفاقات و وقایع جا می ماند؛ باز باین حال المپیک امسال هم بیرون از گود رقابت ها و در قاب تلویزیون پدیده بدون پدیده دنبال نشد. رسول مهربانی گزارشگر بازی های تکواندوی المپیک در شبکه ورزش با مدیریت درست

غفور جهانی در جهام جهانی...

در تاریخ گزارشگری مسابقات ورزشی نام هایی حضور دارند که گذر سال ها و گردوغبار ایام، خاطرات مردم ایران از آنها را مخدوش کرده و شاید در حال حاضر کمتر کسی یادش بیاید که حبیب روشن زاده یکی از گزارشگران اصلی مسابقات ورزشی ایران در طول سه دهه ۴۰، ۳۰ و ۵۰ بوده و از اولین روزهای ورود تلویزیون به ایران پا به این عرصه گذاشت. او با افتتاح اولین ایستگاه تلویزیونی خصوصی در این جعبه پربروزوار حاضر شد و لقب اولین مجری تلویزیونی را به خود اختصاص داد. روشن زاده چهره جذاب و عکس خوری داشت و صدای زیبا و پرصلابت هم به وی برای گزارش بازی ها کمک می کرد؛ هر چند نمی توانست یا نمی خواست که روایتگر باشد و تنها با اکتا بر فاکتور ذاتی جذابیت کارش را ادامه می داد. تکیه کلام های روشن زاده در طول رقابت های مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۸ از رتارین مثل «گل می امان برای ایران» نقطه عطف دوران کاری اش بود.

عطاء الله بهمنش، مردی که گزارشگر زاده شد

زنده یاد عطاء الله بهمنش در درازای دوران حرفه ای گزارشگری اش تقریباً بدون خطا به کار خود ادامه داد و ماندگار شد. او به هیچ وجه با روح ورزش بیگانه نبود، چون خودش دستی در ورزش داشت و مدتی برای تیم فوتبال بانک ملی بازی کرده بود، حتی در رشته دو میدانی هم دستی بر آتش داشت. بچه های نسل امروز شاید چندان با نام بهمنش و گزارش های خاطره انگیز او- با لایخص در عرصه فوتبال ملی در دوره ای که ایران برای اولین بار عزمش را برای قهرمانی در جام ملت های آسیای ۱۹۶۸ جزم کرده بود- آشنا نباشند ولی اگر بهمنش و گزارش های گرم و گیرای او طی مسابقات ورزشی نبود شاید نظر بسیاری از اخلا او به این عرصه جلب نمی شد. بهمنش یک نویسنده ذاتی هم بود و به دلیل آشنافتش بر ادبیات دایره واژگان گسترده ای هم داشت و در طول گزارش بازی ها از ترکیب های جالبی همچون «کلاتی ماهی در تور» و «کش آمدن» استفاده می کرد. اگرچه ادبیات گزارشگری- که در سال های بعد تثبیت شد- هنوز شکل سازمان یافته ای به خودش نگرفته بود ولی عطاء الله بهمنش پیش از هرکس توانست این حرفه را در میان مردم جا بیندازد.

عاشق کشتی گرفتتم حسن یزدانی

لحظات نفسگیر کشتی حسن یزدانی در فینال المپیک ۲۰۱۶ با انور گدیف روس را به خاطر بیابورد. اگر مخاطب رادیو باشد قطعاً صد رالدین کاظمی را به خوبی می شناسید، نحوه گزارش او در بازی فینال میان یزدانی و گدیف همه چیز داشت و بافت دیگر نیز شتاب کم نظیر هادی عامل در انتقال اطلاعات به بیننده های تلویزیونی علاقه مندان به هیب هاپ را یاد رپرهای الداسکول می اندازد. عامل استاد ابداع عبارات نغز و نیست در جهان است؛ به نحوی که فقط می توان این واژه ها را تنها در دکان عطاری او پیدا کرد. شیر پدر و نان مادر، چغر بد بدن، خسته نباشی دلاور خداقوت پهلوان، ماندگار ایران دلاور ایران عشقی ما ایران، تنها بخشی از محصولات کاربردی زبانی اوست که با تکرار و تکرار وارد ادبیات روزمره مردم ایران شده است.

درمیان گزارشگران ورزشی ما، نام هادی عامل با آن دایره واژگانی مخصوص به خود می درخشد. او جملات را آتقدر سریع پشت هم ردیف می کند که انگار سبب زمینی داغ را در دهانش گذاشته اند و وی را مجبور به حرف زدن کرده اند، از یک بابت دیگر نیز شتاب کم نظیر هادی عامل در انتقال اطلاعات به بیننده های تلویزیونی علاقه مندان به هیب هاپ را یاد رپرهای الداسکول می اندازد. عامل استاد ابداع عبارات نغز و نیست در جهان است؛ به نحوی که فقط می توان این واژه ها را تنها در دکان عطاری او پیدا کرد. شیر پدر و نان مادر، چغر بد بدن، خسته نباشی دلاور خداقوت پهلوان، ماندگار ایران دلاور ایران عشقی ما ایران، تنها بخشی از محصولات کاربردی زبانی اوست که با تکرار و تکرار وارد ادبیات روزمره مردم ایران شده است.

مرد بازی های دراماتیک

عادل فردوسی پور و گزارش هایش گاه حتی از اصل بازی هایتز جذاب تر به نظر می رسد. او با فاصله گذاری هایش در طول روایت بازی فوتبال رگ خواب بیننده ایرانی را در دست گرفت و طوری در دل ایشان نفوذ کرد که وقتی تلویزیون خبر گزارش بازی های مهم فوتبال را در کنداکتور خود اعلام می کرد همه انتظار داشتند که او قبول وظیفه کند و گزارش بازی تیم محبوب شان را برعهده بگیرد. هر چند صدای فردوسی پور هیچ وقت به جذابیت و گرمی امثال مجید وارث و جواد خیابانی نبود ولی صمیمیتی که بین خودش و مخاطب ایجاد می کرد این نقطه ضعف را به خوبی پوشش می داد و کار را به اصطلاح درمی آورد. او توانست با استفاده از واژه های ابداعی نظیر «چقدر خوبیم ما» «چه پایان دراماتیکی داشت این بازی» و... بخش مهمی از حافظه جمعی مردم ایران را به خود اختصاص داد و تبدیل به شمایل دوران حاضر شد.